



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۹، ش ۶ (پیاپی ۴۸)، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص ۶۹-۹۱

بررسی حرکت نحوی پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی میانه زردشتی بر اساس «اصل نگارش بند» (پژوهشی بر پایه دستور زایشی)

سیدمهدی ساداتی نوش‌آبادی^۱، نرجس بانو صبوری^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران.

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران.

پذیرش: ۹۷/۷/۲۹

دریافت: ۹۷/۲/۳۱

چکیده

در این پژوهش به بررسی و تحلیل حرکت پرسش‌واژه و نیز حضور و یا عدم حضور پرسش‌واژه و جزء پرسشی در جمله‌های پرسشی آری - خیر در زبان فارسی میانه زردشتی، از دیدگاه رده‌شناسی زبان‌ها بر مبنای رفتار پرسش‌واژه‌های آن‌ها - که از سوی چنگ (1997, 1991) ارائه شده است - پرداخته می‌شود. مطابق با «اصل نگارش بند» مطرح‌شده از سوی چنگ (1997, 1991) و همچنین پژوهش بیکر (1970) فقط زبان‌هایی که دارای جزء پرسشی در ابتدای بند جملات پرسشی آری - خیر هستند، می‌توانند مجوزدهنده حرکت نحوی پرسش‌واژه‌ها در جملات پرسشی باشند و در صورت عدم وجود جزء پرسشی در ابتدای بند جمله‌های پرسشی آری - خیر، پرسش‌واژه‌ها در آن زبان‌ها از نوع ابقایی خواهند بود. این پژوهش به منظور تعیین جایگاه رده‌شناسی زبان فارسی میانه زردشتی در خصوص چگونگی حرکت و رفتار پرسش‌واژه‌های این زبان، بر اساس معیار «اصل نگارش بند» انجام شده و نتیجه آن نشان‌دهنده این است که جمله‌های پرسشی آری - خیر در زبان فارسی میانه زردشتی، فاقد هرگونه جزء پرسشی در ابتدای بند خود هستند و همچنین پرسش‌واژه‌ها در این زبان از نوع ابقایی هستند و دارای هیچ‌گونه حرکت نحوی نیستند.

واژه‌های کلیدی: پرسش‌واژه، حرکت پرسش‌واژه، اصل نگارش بند، برنامه کمینه‌گرا، فارسی میانه زردشتی.

۱. مقدمه

زبان فارسی در حالت بی‌نشان، دارای آرایش واژگانی فاعل - مفعول - فعل (SOV) است (Darzi & Anousheh, 2009; Karimi, 1994; Karimi, 2005; Taleghani, 2008). ساخت‌های پرسشی در زبان به جمله‌هایی گفته می‌شود که برای کسب اطلاعات بیشتر - که در جمله‌بدان‌ها اشاره نشده است - و یا برای خطاب کردن بخشی از جمله از آن‌ها استفاده می‌شود. برای ساخت جمله‌های پرسشی در زبان فارسی می‌توان با استفاده از آهنگ خیزان، جمله ساده خبری را به پرسشی تبدیل کرد (جمله ۳) و یا همانند جمله‌های ۱. ب و ۲. ب از پرسش‌واژه استفاده کرد.

۱. الف. علی در زمین بازی فوتبال بازی می‌کند.

۱. ب. علی کجا فوتبال بازی می‌کند؟

۲. الف. علی دیروز آمد.

۲. ب. علی چه زمانی آمد؟

۳. الف. علی آمد؟

زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی از زبان‌های ایرانی میانه جنوب غربی است. این زبان بازمانده گونه‌ای از زبان فارسی باستان و زبان رسمی شاهنشاهی ساسانی است. آثار برجای‌مانده فارسی میانه را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: فارسی میانه کتیبه‌ای، فارسی میانه زردشتی، فارسی میانه مسیحی و فارسی میانه مانوی یا ترفانی. این آثار به چهار خط نوشته شده‌اند: خط کتیبه‌ای، خط کتابی، خط زبوری و خط مانوی (رضائی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۴ - ۱۳۵). فارسی میانه زردشتی اصطلاحاً به زبان به‌کاررفته در آثار زردشتیان گفته می‌شود. این آثار - که از اصل آرامی گرفته شده‌اند - به الفبایی و از چپ به راست نوشته می‌شده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

در فارسی میانه زردشتی برای پرسشی ساختن جمله، بیشتر از پرسش‌واژه استفاده می‌شد؛ در غیر این صورت جمله بدون حضور پرسش‌واژه گاه تنها با آهنگ خیزان و گاه با استفاده از عبارت ayāb nē «یا نه» در پایان جمله و یا ayāb «یا» به‌حالت پرسشی در می‌آمد. بررسی مثال‌هایی از زبان فارسی میانه زردشتی نشان‌دهنده وجود پرسش‌واژه‌ها با تأکید بر اطلاعات مختلف در این زبان است. در این جمله‌ها امکان حضور پرسش‌واژه در مکان‌های مختلف جمله، با توجه

به سازه مورد پرسش و یا عدم وجود پرسش‌واژه در جمله‌های پرسشی آری - خیر وجود دارد. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. پرسش‌هایی که در این پژوهش به آن‌ها پاسخ داده می‌شود، عبارت‌اند از:

۱. حرکت پرسش‌واژه‌ها در جمله‌های پرسشی زبان فارسی میانه زردشتی بر اساس «اصل نگارش بند» چگونه است؟
۲. حضور پرسش‌واژه و جزء پرسشی در جمله‌های پرسشی زبان فارسی میانه زردشتی چگونه است؟

در این پژوهش با استفاده از تبیین‌های فراهم‌آمده، طبق برنامه کمینه‌گرا که یک ویرایش از دستور زایشی است و همچنین «اصل نگارش بند» مطرح‌شده از سوی چنگ^۲ (1991, 1997) و پژوهش بیکر^۳ (1970)، به بررسی حرکت پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی میانه زردشتی پرداخته می‌شود. به بیان دیگر، آنچه در این پژوهش به آن توجه شده است، چگونگی حرکت پرسش‌واژه‌ها و رفتار آن‌ها در زبان فارسی میانه زردشتی و نیز چگونگی حضور جزء پرسشی در جمله‌های این زبان ایرانی دوره میانه و همچنین تبیین حرکت و رفتار پرسش‌واژه‌های این زبان مطابق با «اصل نگارش بند» است. این تحقیق طبق این فرضیه انجام می‌شود که بر اساس «اصل نگارش بند» می‌توان حضور پرسش‌واژه و جزء پرسشی و همچنین حرکت نحوی آن‌ها را در جمله‌های پرسشی زبان فارسی میانه زردشتی توضیح داد.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی در خصوص کاربست «اصل نگارش بند» در زبان فارسی میانه، به انجام نرسیده است. با این حال، خدافرد (۱۳۹۰) در خصوص ساختار جمله‌های پرسشی در فارسی میانه، به بررسی روش تشخیص واحدهای زیرزنجیری در این جمله‌ها پرداخته است. در زبان فارسی پهلوی جمله‌های پرسشی از طریق وجود پرسش‌واژه تشخیص داده می‌شوند. وی به این نتیجه‌گیری دست یافته است که جمله‌های پرسشی در زبان پهلوی یا دارای پرسش‌واژه هستند و یا برحسب بافت، نشان‌دار می‌شوند و این نشان‌دار کردن جمله‌های پرسشی را می‌توان در متون روایت به زبان پهلوی مشاهده کرد که نویسندگان از طریق استفاده از *ayāb nē* «یا نه» در پایان

جمله، به نشان‌دار کردن جمله‌های پرسشی پرداخته و آن‌ها را از جملات خبری مشابه تفکیک کرده‌اند. نشان‌دار کردن متن جملات پرسشی - که شنونده در جواب آن‌ها باید یکی از گزینه‌های ارائه‌شده را انتخاب کند - روشی برای تشخیص این جملات از نوع خبری بوده است.

درباره ساخت جمله‌های پرسشی و پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی نو نیز پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. دبیر مقدم و کلانتری (۱۳۹۴) در تحقیق درباره ساخت اطلاع جمله‌های پرسشی در فارسی نو به این نتیجه دست یافتند که عبارت‌های پرسشی زبان فارسی در دوره نو از نوع پرسش‌واژه‌های ابقایی^۱ هستند، مگر زمانی که نقش کانون‌نمایی تقابلی را در اختیار داشته باشند که در آن صورت از جایگاه اصلی خود حرکت می‌کنند و در صورت فقدان افزوده‌های جاذب کانون، در جایگاه مشخص‌گر گروه کانون فرود می‌آیند و از اطلاع تقابلی پرسش می‌شوند. در صورت وجود افزوده‌های جاذب کانون، عبارت‌های پرسشی در گروه منظوری قرار می‌گیرند و بار پرسشی را با تأکید کمتری از سازه کانونی بر جمله القا می‌کنند.

واعظی (۱۳۹۰) به بررسی نقشی ساخت‌های پرسشی در زبان فارسی، بر مبنای گیون^۲ (2001) با استفاده از دو معیار نقشی و نحوی پرداخت. نتایج تحقیق وی حاکی از آن است که پرسش‌واژه‌ها در جمله‌های پرسشی در زبان فارسی از منظر نحوی از نوع ابقایی هستند و جایگاه پرسش‌واژه‌ها، کانون است.

حیدری درانی (2015) در پژوهشی درباره نحوه ایجاد ساخت‌های پرسشی بین دانشجویان فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان به بررسی تنوعات مشاهده‌شده در ایجاد جمله‌های پرسشی پرداخت. وی در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که ساخت جمله‌های پرسشی در زبان فارسی دارای تنوع بیشتری نسبت به زبان انگلیسی است و علت این تنوع را می‌توان در عوامل اجتماعی و فرهنگی که سخنگویان فارسی‌زبان با آن‌ها مواجه هستند، جست‌وجو کرد. نتایج تحقیق وی در راستای یافته‌های لابوف^۱ (1972) است که متغیرهایی همانند شنونده، بافت، و اهداف ارتباط می-توانند سبب ایجاد تنوعات زبانی شوند.

مغانی و تفکری رضایی (۱۳۹۶) در بررسی حرکت فعل در جمله‌های پرسشی آری - خیر در زبان فارسی به این نتیجه دست یافتند که فعل در این نوع جملات می‌تواند به صورت اختیاری به جایگاه آغازین جمله حرکت کند و علت این امر بازبینی مشخصه [- تأکید] و نیز مشخصه قوی

«اصل فرافکنی گسترده» (Chomsky, 2000, 2001 a, 2001b) در جایگاه هسته گروه تأکید است.

کهنمویی‌پور (2001) در بررسی خود درباره ساخت جمله‌های پرسشی و نحوه رفتار پرسش‌واژه در زبان فارسی نو، این نتیجه را بیان می‌کند که جمله‌های پرسشی در زبان فارسی فاقد حرکت پرسش‌واژه به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما و همچنین عدم ابقای پرسش‌واژه در جایگاه اولیه خود هستند. در این زبان عبارت پرسشی دارای حرکت تأکید^۷ است که جایگاه آن بلافاصله پیش از جایگاه گروه فعلی کوچک است. بوشکوویچ^۸ (1997a, 1997b, 1998a, 1998b, 2000a, 2000b) نیز پیشنهاد مشابهی مبنی بر وجود حرکت تأکید برای گروه پرسشی در زبان صربی - کرواتی ارائه کرده بود.

۳. چارچوب نظری پژوهش: اصل نگارش بند

بررسی ارتباط بین وجود جزء پرسشی،^۹ در پرسش‌های پرسشی آری - خیر^{۱۰} و فقدان حرکت آشکار پرسش‌واژه در زبان‌های دارای عبارت‌های پرسشی ابقایی، از پژوهش‌هایی است که چنگ بدان پرداخته است. وی در بررسی موضوع پرسش‌واژه‌ها، تحقیق بیکر (1970) را به‌عنوان منبع اصلی پژوهش خود قرار داده است. بیکر (*ibid*) بر اساس اطلاعات زبانی فراهم‌شده از سوی گرینبرگ^{۱۱} (1966) نتیجه‌گیری می‌کند که فقط زبان‌هایی که در آن‌ها، در جایگاه ابتدایی بند، امکان قرار گرفتن جزء پرسشی در پرسش‌های پرسشی آری - خیر وجود دارد، می‌توانند مجوزدهنده حرکت پرسش‌واژه و ارائه قوانینی برای این حرکت پرسش‌واژه باشند. بر این اساس زبان‌هایی همانند هوپی^{۱۲}، باهاسا اندونزی^{۱۳} و هندی^{۱۴} که در آن‌ها جزء پرسشی در پرسش‌های پرسشی آری - خیر در ابتدای بند قرار می‌گیرند؛ ولی هیچ‌گونه حرکتی برای پرسش‌واژه در آن‌ها مشاهده نمی‌شود، نمی‌توانند ناقض نتیجه‌گیری بیکر (1970) باشند؛ زیرا نتیجه‌گیری بیکر تنها زبان‌هایی را غیرممکن می‌داند که فاقد جزء پرسشی در ابتدای جمله‌های پرسشی آری - خیر و دارای حرکت پرسش‌واژه باشند. وجود زبان‌هایی همانند هوپی، باهاسا اندونزی و هندی به این موضوع اشاره می‌کند که وجود جایگاه جزء پرسشی جمله‌های پرسشی آری - خیر نمی‌تواند نشان‌دهنده وجود حرکت نحوی پرسش‌واژه در هر زبان باشد (Cheng, 1997, 1991).

از دیدگاه دیگری به بررسی ارتباط بین جزء پرسشی در جمله‌های پرسشی آری - خیر و حرکت نحوی پرسش‌واژه می‌توان پرداخت (Cheng, 1997, 1991). بررسی زبان‌های قرن هفدهم که در آن‌ها عبارت پرسشی ابقایی وجود داشت، این موضوع را آشکار کرد که همه این زبان‌ها در جمله‌های پرسشی آری - خیر از جزء پرسشی استفاده می‌کنند. برخی از این زبان‌ها از همان جزء پرسشی در جمله‌های پرسشی نوع دیگر خود استفاده می‌کنند و برخی دیگر جزء پرسشی متفاوتی را به‌کار می‌برند و برخی دیگر در جمله‌های پرسشی از جزء پرسشی استفاده نمی‌کنند. در همه این زبان‌ها به‌نظر می‌رسد که وجود جزء پرسشی در جمله‌های پرسشی آری - خیر الزامی بوده است؛ اما تنها در یک زبان (ماندریان^{۱۵} یا زبان چینی استاندارد) استفاده از جزء پرسشی در جمله‌های پرسشی نوع دیگر به‌صورت اختیاری است. بر اساس این واقعیات، دو اصل همگانی را می‌توان بیان داشت:

الف. زبان‌هایی که دارای پرسش‌واژه‌های ابقایی هستند، در جمله‌های پرسشی آری - خیر، از نوع ویژه‌ای از نشانه‌گذاری استفاده می‌کنند.

ب. زبان‌هایی که دارای نشانه‌گذاری ویژه‌ای در جمله‌های پرسشی آری - خیر بوده‌اند، زبان‌هایی هستند که دارای پرسش‌واژه‌های ابقایی هستند.

در بررسی ارتباط بین جمله‌های پرسشی آری - خیر و پرسش‌واژه‌ها این فرضیه مطرح می‌شود که در زبان‌هایی که دارای جزء پرسشی در پرسش‌های پرسشی آری - خیر هستند، شاهد هیچ‌گونه پرسش‌واژه آشکار نیستیم و نوع غیرآشکار آن موجود است. با در نظر گرفتن این فرضیه می‌توان اصول کلی الف و ب را بدین‌گونه بازنویسی کرد که زبان‌هایی که دارای پرسش‌واژه ابقایی هستند، دارای پرسش‌واژه به‌صورت آشکار و غیرآشکار بوده‌اند و زبان‌هایی که دارای پرسش‌واژه هستند از نوع زبان‌های دارای پرسش‌واژه ابقایی هستند (Cheng, 1997, 1991). این مبنای نظری در خصوص این اصل کلی، بر اساس نظریات چامسکی و لاسنیک^{۱۶} (1977) است که طبق آن هر بند باید نگارش^{۱۷} شود. بر این اساس، برای نگارش یک پرسش‌واژه دو روش وجود دارد: جزء پرسشی و یا حرکت پرسش‌واژه^{۱۸}. طبق نظر چنگ، جزء پرسشی در هسته گروه متمم‌نما (C) نوع بند را با استفاده از مشخصه [+wh] به‌صورت عبارت پرسشی نگارش می‌کند. در زبان‌هایی که دارای حرکت پرسش‌واژه هستند، مشخصه [+wh] در هسته

گروه متمم‌نما (C) پس از حرکت پرسش‌واژه حضور خواهد داشت. همچنین، وی این پیشنهاد را مطرح می‌کند که هسته متمم‌نما این مشخصه را از طریق حرکت پرسش‌واژه به جایگاه مشخص‌گر خود و از طریق رابطه مطابقت بین هسته و مشخص‌گر کسب می‌کند. همچنین، با استفاده از «اصل اقتصادی اشتقاق جمله»^{۱۹} چامسکی (1989)، این پیشنهاد مطرح می‌شود که هر زبانی فقط از یکی از این دو روش نگارش عبارت‌های پرسشی استفاده می‌کند. پیشنهاد چنگ (1991:30) در قالب «فرضیه نگارش بند» به این شرح است:

۳-۱. فرضیه نگارش بند

هر بندی باید نگارش شود. در موضوع نگارش، یک عبارت پرسشی یا جزء پرسشی در هسته گروه متمم‌نما استفاده می‌شود و یا پرسش‌واژه به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما حرکت می‌کند و بند از طریق رابطه مطابقت بین هسته و مشخص‌گر گروه متمم‌نما نگارش می‌شود.

۴. در مجموع، تحقیقات چنگ (1991) بر مبنای این پرسش صورت گرفته است که چرا در برخی زبان‌ها همانند انگلیسی پرسش‌واژه دارای حرکت نحوی است، در برخی دیگر مانند زبان ماندریان استاندارد (چینی) پرسش‌واژه‌ها از نوع ابقایی بوده است و در برخی دیگر از زبان‌ها همانند زبان عربی کشور مصر، این گزینه وجود دارد که یا پرسش‌واژه‌ها دارای حرکت نحوی بوده و یا به صورت ابقایی در جمله حضور داشته‌اند (Wahba, 1984). این پرسش درباره برخی دیگر از زبان‌ها (یعنی زبان‌هایی که در آن‌ها چندین پرسش‌واژه در جمله‌های پرسشی حضور دارند)، مانند زبان بلغاری نیز مطرح می‌شود. در این زبان‌ها حرکت نحوی پرسش‌واژه وجود دارد و تقسیم‌بندی آن‌ها بر این اساس صورت می‌گیرد که آیا همه پرسش‌واژه‌ها باید به ابتدای بند جمله پرسشی حرکت کنند یا خیر. محققان در پاسخ به این پرسش فرضیات متعددی را ارائه کرده‌اند. فوکویی^{۲۰} (1985) با فرض این موضوع که پرسش‌واژه‌ها به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما حرکت می‌کنند، (Chomsky, 1986) این پیشنهاد را مطرح می‌سازد که زبان‌هایی همانند ژاپنی و یا زبان ماندریان استاندارد (چینی) به دلیل اینکه گروه متمم‌نما در این زبان‌ها فاقد جایگاه مشخص‌گر است، نمی‌توانند دارای حرکت نحوی پرسش‌واژه باشند. بنابراین، در این زبان‌ها پرسش‌واژه نمی‌تواند دارای حرکت نحوی باشد؛ زیرا جایگاهی برای آن در گروه متمم‌نما وجود

ندارد و الزاماً باید به صورت ابقایی در جمله‌های پرسشی حضور داشته باشد. بر اساس پیشنهاد کیم^{۲۱} (1990) زبان‌هایی مانند ژاپنی و زبان ماندریان استاندارد (چینی) نمی‌توانند دارای حرکت نحوی پرسش‌واژه باشند؛ زیرا از نظر وی در این زبان‌ها پرسش‌واژه‌های حقیقی وجود ندارد و کلمات پرسشی در واقع سورها^{۲۲} هستند و در سطح منطقی دارای حرکت سورا هستند. در خصوص زبان‌هایی که دارای چندین جزء پرسشی در ابتدای بند جمله‌های پرسشی هستند، رادین^{۲۳} (1988) بر آن است که در برخی زبان‌ها امکان وجود چندین جایگاه مشخص‌گر برای گروه متمنما وجود دارد و در نتیجه شاهد حضور چندین پرسش‌واژه در کنار یکدیگر در این زبان‌ها مانند زبان بلغاری هستیم؛ ولی در برخی دیگر از زبان‌ها مانند زبان انگلیسی امکان وجود چندین جایگاه مشخص‌گر برای گروه متمنما وجود نداشته است. بنابراین، امکان حضور چندین پرسش‌واژه در کنار یکدیگر در ابتدای بند جمله‌های پرسشی فراهم نیست.

۴. اصل نگارش بند و جمله‌های پرسشی در زبان فارسی میانه زردشتی

اجر^{۲۴} (2013:275) ترتیب اعضای جمله را با توجه به هسته‌های نقشی و واژگانی آن به این صورت معرفی می‌کند:

اصل سلسه مراتبی فرافکن‌ها: $v > V > (Pass) > (Prog) > (Perf) > (Neg) > C > T$

در این سلسله مراتب حروف اختصاری C برای فرافکن متمنما، T فرافکن زمان جمله، Neg فرافکن منفی‌ساز جمله، Perf فرافکن نمود، Prog فرافکن نمود استمراری، Pass فرافکن مجهول، V گروه فعلی کوچک و V گروه فعلی بزرگ است. طبق تبیین‌های برنامه کمینه‌گرا که در آن سطح رو ساخت از سطوح زبانی حذف شده است، تفاوت ظاهری را در ترتیب اعضای جمله در زبان‌های مختلف با توجه به قوی و یا ضعیف بودن مشخصه‌ها در آن‌ها توضیح می‌دهد. با توجه به سلسله‌مراتب ساختاری فرافکن‌های نقشی و واژگانی در جملات (*ibid*)، در برنامه کمینه‌گرا تفاوت در جایگاه اجزای جمله به دلیل نحوه ارزش‌گذاری مشخصه‌ها در آن‌ها پس از فرایند مطابقت است. در جمله‌های پرسشی زبان‌های مختلف، پرسش‌واژه‌ها در جایگاه ابتدای جمله و یا به صورت ابقایی در جمله حضور دارند که علت این امر با توجه به تبیین‌های فراهم‌شده در برنامه کمینه‌گرا وابسته به قدرت مشخصه تعبیرناپذیر [uWH] هسته گروه متمنما است (Adger, 2003: 308).

اگر این مشخصه هسته گروه متمنما قوی باشد، پس از فرایند مطابقه بین این مشخصه و مشخصه تعبیرپذیر [WH] در پرسش‌واژه، پرسش‌واژه به جایگاه مشخص‌گر گروه متمنما حرکت می‌کند و اگر این مشخصه در هسته گروه متمنما ضعیف باشد، پس از فرایند مطابقه، نیازی به حرکت پرسش‌واژه به جایگاه گروه متمنما نیست.

بر اساس «اصل نگارش بند» مطرح‌شده از سوی چنگ (1997, 1991) و همچنین پژوهش بیکر (1970) تنها زبان‌هایی که دارای جزء پرسشی در ابتدای بند جملات پرسشی آری - خیر هستند، می‌توانند مجوزدهنده حرکت نحوی پرسش‌واژه‌ها در جملات پرسشی باشند و در صورت عدم وجود جزء پرسشی در ابتدای بند جمله‌های پرسشی آری - خیر، پرسش‌واژه‌ها در آن زبان‌ها از نوع ابقایی خواهند بود.

در فارسی میانه زردشتی، جمله‌های پرسشی به دو صورت کلی آشکار می‌شوند: الف) با حضور پرسش‌واژه ب) عدم حضور پرسش‌واژه. ظاهراً کاربرد جمله‌های پرسشی با حضور پرسش‌واژه بیشتر از نوع دوم بوده است. در جمله‌های پرسشی بدون پرسش‌واژه، گاه جمله با آهنگ خیزان به صورت پرسشی در می‌آید. همچنین استفاده از عبارت *ayāb nē* «یا نه» در پایان جمله و یا تنها *ayāb* «یا» شیوه‌ای معمول برای پرسشی ساختن جمله به‌شمار می‌رفت که این دو روش اخیر دارای بسامد مهمی بودند. جملات پرسشی بدون پرسش‌واژه، همان جملات پرسشی آری - خیر در زبان فارسی میانه زردشتی هستند که در پاسخ به آن‌ها از جمله‌ها یا عبارت‌های توضیحی و یا توصیفی بهره گرفته می‌شد.

۴-۱. جمله‌های پرسشی با حضور پرسش‌واژه

در فارسی میانه زردشتی در جمله‌هایی که دارای پرسش‌واژه هستند، وجود کلمات پرسشی بیانگر پرسشی بودن جمله است. در این زبان چندین پرسش‌واژه وجود داشته است که از آن‌ها برای ساختن جمله‌های پرسشی استفاده می‌شد. این پرسش‌واژه‌ها عبارت‌اند از: *čē* «چه؟»، *kē* «که، چه کسی؟»، *kadām* «کدام؟»، *kadār* «کدام؟»، *kū* «کجا؟»، *čiyōn* «چگونه؟»، *čand* «چند؟» و *kay* «کی؟ چه وقت؟». از این میان، چهار مورد اول ضمیر پرسشی، و چهار مورد دوم قید پرسشی به‌شمار می‌آیند. بررسی نمونه‌های موجود از زبان فارسی میانه زردشتی نشان‌دهنده وجود این پرسش‌واژه‌ها در موقعیت‌های مختلف در جمله، بر اساس نوع سازه زبانی پرسش

است. در مثال‌هایی که ذکر می‌شود به انواع مختلف جمله‌های پرسشی بر اساس پرسش‌واژه‌های موجود در آن‌ها پرداخته شده است:

۴-۱. پرسش‌واژه *čē* «چه؟»

در فارسی میانه زردشتی از پرسش‌واژه *čē* «چه» برای پرسیدن اطلاعاتی استفاده می‌شد که در جمله ذکر نشد و گوینده از کاربرد آن قصد یافتن اطلاعات جدیدی داشته است.

4. u-m pursīd kū ēn tan *čē* wināh kard kē ruwān ōwōn pādīfrāh barēd.

۴. پرسیدیم که این تن چه گناه کرد که روان چنین پادفراه برد؟ (رداویراف‌نامه، ۱۳۸۲: ۶۶).

5. mard-ē az gētīg be šawēd u-š zan-ē ud duxt-ē ast....ān duxt dādestān *čē*?

۵. مردی از دنیا برود و او را زنی و دختری هست ... حکم آن دختر چه (است)؟ (روایت آنز فرنیغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۴).

6. saxwan ī wahman.... kū-t pad *čē* abāyēd ka ranjag be bawē?

۶. سخن بهمن: ... که تو به چه (=به چه سبب) باید رنجه بشوی؟ (دینکرد هفتم، ۵۲).

در این جمله‌ها با توجه به ساختار بی‌نشان جمله به صورت فاعل - مفعول - فعل، می‌توان دریافت که از پرسش‌واژه *čē* «چه» در فارسی میانه برای کسب اطلاع جدید استفاده می‌شده است و اگر به جای آن نیز از اطلاعات جدید در جمله استفاده می‌شد، ترتیب بی‌نشان جمله دچار تغییر نمی‌شد.

۴-۱-۲. پرسش‌واژه *kē* «که، چه کسی؟»

از پرسش‌واژه *kē* «که، چه کسی» در فارسی میانه برای پرسیدن و کسب اطلاع درباره اشخاص استفاده می‌شده است.

7.....har mardōm ka pad pānzdah sālag rasēd ēg-iš ēn and čiš bē dānistan abāyēd kū *kē* hēm ud *kē* xwēš hēm?.....

۷. ... هر کس از مردم که به سن پانزده سالگی رسد، آن‌گاه این چند چیز باید بداند که که هستیم؟ از آن که هستیم... (اندرز پوریوتکیشان، ۱۳۷۱: ۲۵۱).

8. ud gōwišn ī wahman ān kē ahlāyīh tā *kē*?

۸. و گفتار بهمن ... آن که را پرهیزکاری است، چه کسی (است)؟ (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: ۲۲۸).
 بررسی نحوه استفاده از پرسش‌واژه *kē* «که، چه کسی؟» در فارسی میانه نشان‌دهنده آن است که از این پرسش‌واژه نیز در جایگاه سازه مورد پرسش و در ترتیب بی‌نشان استفاده می‌شده و دارای حرکت به سایر جایگاه‌ها در جمله نبوده است.

۳-۱-۴. پرسش‌واژه *kadām* «کدام؟»

از این پرسش‌واژه در فارسی میانه برای کسب اطلاع درباره ماهیت و اسم انسان و نیز اشیا و غیرجاندار استفاده می‌شده است.

9. u-m pursīd kū ēn kē (ud) *kadām* hēnd?

۹. و پرسیدم که این (ها) چه کسی (و) کدام هستند؟ (ارداویراف‌نامه، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

10. u-m pursīd kūēn *kadām* rōd?

۱۰. و پرسیدم که ... این کدام رود (است)؟ (همان: ۱۰۱).

بررسی جمله‌های‌های زبان فارسی میانه نشان‌دهنده این است که از پرسش‌واژه *kadām* «کدام» به همراه بند متمم خود که نام آن پرسش می‌شده، استفاده می‌شده و دارای هیچ‌گونه حرکتی در جمله نبوده است.

۴-۱-۴. پرسش‌واژه *kadār* «کدام؟»

از پرسش‌واژه *kadār* «کدام» در فارسی میانه برای کسب اطلاع درباره ماهیت انسان و اشیا و غیرجاندار استفاده می‌شده است.

11. nasā ī pad sag-dīd abāyēd dāštan *kadār*?

۱۱. نسایی که به سگ‌دید باید داشتن، کدام (است)؟ (روایت آذر فرنیغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۲۷).

12. *kadār* ān ī zorīg kay-ardaxšēr ī tagīg ī tan-framān ī škeft-zēn xwadāy?

۱۲. ... کدام است آن کی اردشیر نیرومند تهتن فرمان شگفت زین فرمانروا؟ (دینکرد هفتم،

۲۵۶).

جمله‌هایی که ذکر شد نشان‌دهنده این است که از پرسش‌واژه *kadār* «کدام» در جایگاه اصلی سازه مورد پرسش و به صورت ابقایی استفاده می‌شده است.

۴-۱-۵. پرسش‌واژه *kū* «کجا»؟

از پرسش‌واژه *kū* «کجا» در فارسی میانه برای کسب اطلاع دربارهٔ مکان استفاده می‌شده است.

13. *ud gōwišn ī wahman.... ahlāyīh kū?*

۱۳. و گفتار بهمن ... پرهیزکاری کجا (است)؟ (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: ۲۲۸).

14. *pursīd dānāg ō mēnōg ī xrad ud abr ō kū nišīnēd?*

۱۴. پرسید دانا از مینوی خرد که ... و ابر در کجا نشیند (قرار می‌گیرد)؟ (مینوی خرد، ۱۳۷۹: ۸۵)

بررسی مثال‌های زبان فارسی میانه، نشان‌دهندهٔ این است که پرسش‌واژه *kū* «کجا» نیز به صورت ابقایی در ساختارهای پرسشی کاربرد داشته است.

۴-۱-۶. پرسش‌واژه *čiyōn* «چگونه»؟

از این پرسش‌واژه در فارسی میانه به منظور کسب اطلاع دربارهٔ چگونگی و نحوهٔ انجام کاری و یا عملی و یا حالتی استفاده می‌شده است.

15. *ud gōwišn ī wahman... čiš-ē hastīg čiyōn?*

۱۵. و گفتار بهمن: ... چیز هستی چگونه (است)؟ (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: ۵۲).

16. *u-š čē sud ka padīrēnd xwad rāy čiyōn abāyēd padīriftan?*

۱۶. و چه سود اگر برای خود پذیرند ... چگونه باید پذیرفتن؟ (روایت آذر فرنبغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۶۳).

17. *pursīd dānāg ō mēnōg ī xrad asmān ud zamīg čiyōn winnārd ēstēd?*

۱۷. پرسید دانا از مینوی خرد که آسمان و زمین چگونه مرتب شده است؟ (مینوی خرد، ۱۳۷۹: ۸۵)

بررسی جمله‌های زبان فارسی میانه نشان‌دهندهٔ این است که پرسش‌واژه *čiyōn* «چگونه» نیز به صورت ابقایی در جمله کاربرد داشته است.

۴-۱-۷. پرسش‌واژه *čand* «چند»؟

از پرسش‌واژه *čand* «چند» برای کسب اطلاع دربارهٔ تعداد دفعات و شمارش استفاده می‌شده است.

18.*har mardōm ka pd pānzdah sālag rasēd ēg-iš ēn and čiš bē dānistan*

abāyēd kūrāh čand?

۱۸. ... هر کس از مردم که به سن پانزده سالگی رسد، آن‌گاه این چند چیز باید بداند که ... راه چند (تا است)؟ (اندرز پوریوتکیشان، ۱۳۷۱: ۲۵۱).

19. mard ka abām abar....čand pad zēndān pādixšāy dāštan?

۱۹. مردی که وام بر عهده‌اش است، ... چند (= چه مدت) (او را) در زندان پادشاه می‌توان داشت؟ (روایت آذر فرنیغ فرخزادان، ۵۴).

20. (stur ī) gumārdag pad ēn ku čand gyāg šāyēd?

۲۰. (ستور گمارده) را اینکه در چند جا می‌توان داشت؟ (روایت آذر فرنیغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۱۹).

بررسی جمله‌های زبان فارسی میانه نشان‌دهنده این موضوع است که از پرسش‌واژه čand «چند» به صورت ابقایی در جایگاه سازۀ مورد پرسش استفاده می‌شده است.

۴-۱-۸ پرسش‌واژه kay «کی؟ چه وقت؟»

از این پرسش‌واژه در فارسی میانه برای پرسش در خصوص زمان استفاده می‌شده است.
21.... ud kay mad hēm ud kay be šawēm?

۲۱. ... و کی آمدم؟... و کی بروم؟ (دینکرد ششم، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

۴-۲. جمله‌های پرسشی بدون حضور پرسش‌واژه

از ویژگی‌های مهم ساخت جمله‌های پرسشی در زبان فارسی میانه زردشتی، می‌توان به تقسیم این نوع جمله‌ها به دو صورت جمله‌های پرسشی دارای پرسش‌واژه و جمله‌های پرسشی بدون پرسش‌واژه اشاره کرد. در جمله‌های پرسشی بدون پرسش‌واژه، هیچ‌گونه پرسش‌واژه‌ای در متن جمله‌های پرسشی وجود ندارد. در این نوع جملات، تنها با استفاده از آهنگ خیزان جمله و تأکید لفظی بر هر یک از سازه‌های جمله می‌توان به پرسشی بودن جمله پی برد.

22. mard-ē ka tanīhā (gyāg- ē) frāz rasēd nasā-ē ān gyāg ēstēd be pādixšāy hištan šudan ud mard ud sag āwurdan?

۲۲. مردی تنها به جایی برسد، نسایی آنجا باشد، اختیار دارد رها کند، برود و مرد و سگ آورد؟ (روایت آذر فرنیغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۳۲).

23. mard-ē ka sturīh be padīrēd pādixšāy ka zan ī xwēš az zanīh be hilēd ōy rāy pad sturīh ān zan kunēd?

۲۳. مردی که ستوری را بپذیرد، مجاز است که زن خویش را از زنی رها کند (و) برای وی آن زن را به ستوری کند؟ (روایت آذر فرنیغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۲۳).

بررسی نگارندگان بیانگر آن است که این نوع جمله‌های پرسشی در فارسی میانه بسامد بسیار کمتری نسبت به دیگر انواع جمله‌های پرسشی دارند.

۳-۴. جمله‌های پرسشی با *ayāb nē* «یا نه»

نوع دیگر از جمله‌های پرسشی بدون پرسش‌واژه، جمله‌هایی هستند که دارای واژگانی جداگانه هستند. در این نوع از جمله‌های پرسشی، وجود *ayāb nē* «یا نه» به مفهوم پرسشی بودن جمله اشاره دارد.

24. *pursīd dānāg ō mēnōg ī xrad ku az kišwar ō kišwar šāyēd šudan ayāb nē?*
 ۲۴. پرسید دانا از مینوی خرد که از اقلیمی به اقلیمی می‌توان رفت یا نه؟ (مینوی خرد، ۱۳۷۹: ۷۸).

25.*ud yazd ōy hambadīg abāz dāštan šāyist ayāb nē?*
 ۲۵. ... و ایزد آن متخاصم را می‌توانست باز دارد یا نه؟ (دینکرد پنجم، ۱۳۸۶: ۷۷).

جمله‌هایی که به این طریق در فارسی میانه زردشتی به صورت پرسشی در می‌آیند، دارای بسامد بسیار زیادی هستند و تعداد بسیاری از جمله‌های پرسشی فارسی میانه را تشکیل می‌دهند.

۴-۴. جمله‌های پرسشی با *ayāb* «یا»

از دیگر انواع جمله‌های پرسشی بدون پرسش‌واژه در فارسی میانه زردشتی که دارای واژگانی جداگانه هستند، می‌توان به جمله‌هایی اشاره کرد که واژه *ayāb* «یا» مفهوم پرسشی بودن را به آن افزوده است:

26. *pursīd dānāg ō mēnōg ī xrad ku driyōšīh wēh ayāb tuwāngarīh ayāb pādixšāyīh?*
 ۲۶. پرسید دانا از مینوی خرد که درویشی بهتر است یا توانگری یا قدرت؟ (مینوی خرد، ۱۳۷۹: ۳۶).

27. ... *zarduxšt az ohrmazd pursīd ku tanōmandān pad zamīg be widard hēnd pad frašagird tanōmand abāz bawēnd ayāb gyānīg homānāgīhā?*

۲۷. ... زردشت از اورمزد پرسید که تنومندان که در زمین درگذشتند در هنگام فرشگرد دوباره تندر باشند یا مانند جان؟ (گزیده‌های زادسپرم، ۹۱).
این‌گونه جمله‌های پرسشی نیز همانند جمله‌هایی که با *ayāb nē* «یا نه» پرسشی می‌شوند، بسامد بالایی در فارسی میانه زردشتی دارند.

بنا بر داده‌هایی که ذکر شد، بررسی ساختار جمله‌های پرسشی در فارسی میانه زردشتی را از سه دیدگاه نحوی، آهنگ جمله و وجود واژگان ویژه می‌توان بررسی کرد. از منظر نحوی بررسی جمله‌های پرسشی زبان فارسی زردشتی میانه و جمله‌های خبری ساده آن‌ها نشان می‌دهد که ساختار دو جمله شنبیه به یکدیگر بوده است و عناصر جمله در جایگاه اولیه خود و در حالت بی‌نشان فاعل - مفعول - فعل قرار دارند. از این دیدگاه زبان فارسی میانه زردشتی از منظر جایگاه پرسش‌واژه، در گروه زبان‌هایی قرار می‌گیرد که در آن‌ها از پرسش‌واژه‌ها به صورت ابقایی در جمله‌های پرسشی استفاده شده است و هیچ‌گونه کانونی‌سازی عناصر جمله در آن‌ها مشاهده نمی‌شود (مثال‌های شماره ۴ الی ۲۱).

در خصوص آهنگ جمله می‌توان چنین گفت که در فارسی میانه زردشتی جمله‌های پرسشی بدون پرسش‌واژه تنها با استفاده از آهنگ خیزان جمله از نوع خبری خود جدا می‌شوند که عدم وجود آهنگ خیزان سبب می‌شود جمله پرسشی همانند جمله خبری تعبیر شود (مثال‌های شماره ۲۲ و ۲۳).

همچنین در نوع دیگری از جمله‌های پرسشی بدون پرسش‌واژه در زبان فارسی میانه زردشتی، شاهد وجود واژگانی جداگانه برای تشخیص جمله‌های خبری از نوع پرسشی هستیم. در این نوع جمله‌های پرسشی، از *ayāb nē* «یا نه» و *ayāb* «یا» برای وارد کردن مفهوم پرسشی به جمله استفاده شده است و نبود این واژگان سبب می‌شد که جمله به نوع خبری تعبیر شود (مثال‌های شماره ۲۴ الی ۲۷).

۵. نتیجه

بررسی جمله‌های پرسشی زبان فارسی میانه، اطلاعات کافی را برای پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش فراهم می‌کند. بررسی جمله‌های پرسشی زبان فارسی میانه، نشان‌دهنده آن است که پرسش‌واژه‌ها در این زبان در جمله‌های پرسشی با رعایت ترتیب بی‌نشان اجزای سازنده

جمله در زبان فارسی، یعنی به صورت ترتیب بی‌نشان فاعل - مفعول - فعل و به صورت ابقایی در جایگاه سازه با پرسش به کار برده می‌شدند و دارای هیچ‌گونه حرکت نحوی نبودند. این ویژگی نشان‌دهنده ضعیف بودن مشخصه [uWH] هسته گروه متمم‌نماست که پس از وارد شدن به رابطه مطابقت با گروه پرسشی موجود در جمله و ارزش‌گذاری مشخصه خود، به علت ضعیف بودن این مشخصه تعبیرناپذیر، نیازی به حرکت پرسش‌واژه و فرود در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما نیست.

همچنین جمله‌های پرسشی آری - خیر در زبان فارسی میانه به صورت جمله‌هایی به کار رفته‌اند که در ابتدای آن‌ها هیچ پرسش‌واژه‌ای و یا جزء پرسشی وجود نداشته و ترتیب بی‌نشان جمله نیز در ساخت آن‌ها رعایت شده است. در این نوع جمله‌های پرسشی، تنها با استفاده از لحن خیزان جمله و تأکید بر هر یک از سازه‌ها می‌توانیم جمله پرسشی بسازیم و پاسخ به آن‌ها به صورت جمله یا عبارت توضیحی یا توصیفی بوده است. در نوع دیگر از جمله‌های پرسشی بدون پرسش‌واژه نیز مشاهده شد که از ayāb nē «یا نه» و ayāb «یا» استفاده شده است که در حقیقت نوعی ایجاد وجه تمایز برای جمله پرسشی نسبت به جمله خبری است که در صورت فقدان این واژه‌ها، جمله پرسشی مانند جمله خبری تعبیر و خوانده می‌شود.

در مجموع یافته‌های این تحقیق تأییدکننده فرضیه‌ای است که این تحقیق بر اساس آن انجام شده است؛ بدین ترتیب که با استفاده از «اصل نگارش بند» می‌توان به بررسی حضور پرسش-واژه‌ها و حرکت نحوی آن‌ها در زبان فارسی میانه زردشتی پرداخت. بر این اساس، عدم وجود جزء پرسشی در ابتدای جمله‌های پرسشی آری - خیر و همچنین ابقایی بودن پرسش‌واژه‌ها در ساخت‌های پرسشی در زبان فارسی میانه مطابق با یافته‌ها و نتایج چنگ (1997, 1991) بر اساس «اصل نگارش بند» و همچنین تحقیقات بیکر (1970) است که طبق آن فقط زبان‌هایی که دارای جزء پرسشی در ابتدای بند سؤالات پرسشی آری - خیر هستند، می‌توانند مجوزدهنده حرکت نحوی پرسش‌واژه‌ها باشند و در صورت عدم وجود جزء پرسشی در ابتدای بند سؤالات پرسشی آری - خیر، پرسش‌واژه‌ها در آن زبان‌ها از نوع ابقایی خواهند بود. همچنین نتایج این تحقیق مبنی بر عدم تغییر ترتیب بی‌نشان اجزای جمله در ساخت‌های پرسشی آری - خیر در زبان فارسی میانه را می‌توان با استفاده از یافته‌های مغانی و تفکری رضایی (۱۳۹۶) نیز تبیین کرد. مغانی و تفکری رضایی (همان) عدم پیش‌گذاری فعل در ساخت‌های پرسشی آری - خیر در

جمله‌های پرسشی فارسی امروزی و اختیاری بودن آن را به‌علت گزینش و عدم گزینش مشخصه «اصل فرافکنی گسترده» از واژگان، از سوی هسته گروه تأکید می‌دانند. در صورت عدم پیش‌گذاری فعل در ساخت‌های پرسشی آری - خیر، مطابقه و بازبینی میان مشخصه [- پرسشی] هسته گروه متمم‌نما و مشخصه [+ پرسشی] فعل در جایگاه خود در هسته گروه فعلی است. بنابراین، در زبان فارسی میانه نیز هسته گروه تأکید فاقد مشخصه «اصل فرافکنی گسترده» است.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. clausal typing hypothesis
2. Cheng
3. Baker
4. In-situ wh-question
5. Givon
6. William Labov
7. Focus Movement
8. Boskovic
9. question particle
10. Yes – No question
11. Greenberg
12. Hopi
13. Bahasa Indonesia
14. Hindi
15. Mandarin
16. Lasnik
17. type
18. Wh-movement
19. principle of economy of derivation
20. Fukui
21. Kim
22. quantifiers
23. Rudin
24. Adger

۸. منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: سمت.
- ارداویراف‌نامه (۱۳۸۲). فیلیپ ژینیو. ترجمه ژاله آموزگار. تهران: معین و انجمن ایران‌شناسی

- اندرز پوریوتکیشان (۱۳۷۱). متون پهلوی. جاماسب آسانا. گزارش سعید عریان. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- بررسی دینکرد ششم (۱۳۹۴). ترجمه و توضیحات مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خدافرد، ایمان (۱۳۹۰). «تشخیص واحدهای زبرنجیری در جملات پرسشی متن‌های پهلوی». کتاب ماه ادبیات، ش ۵۵ (پیاپی ۱۶۹). صص ۲۵ - ۲۷.
- دبیر مقدم، محمد و راحله کلانتری (۱۳۹۵). «بررسی ساخت اطلاع جملات پرسشی در فارسی نو با تأکید بر متن». متن پژوهی ادبی، س ۲۰، ش ۶۷. صص ۵۲ - ۸۳.
- دینکرد هفتم (۱۳۸۹). ترجمه و توضیحات محمدتقی راشد محصل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضائی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). تاریخ زبان‌های ایرانی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- روایت آذر فرنیغ فرخزادان (۱۳۸۴). ترجمه و توضیحات حسن رضائی باغبیدی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- کتاب پنجم دینکرد (۱۳۸۶). ترجمه و توضیحات ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: توس.
- مغانی، حسین و شجاع تفکری رضائی (۱۳۹۶). «تبیین اختیاری بودن حرکت فعل در جملات پرسشی آری - نه در زبان فارسی»: رویکردی کمینه‌گرا». زبان پژوهی، س ۹، ش ۲۵. صص ۱۹۱ - ۲۱۶.
- مینوی خرد (۱۳۷۹). ترجمه احمد تفضلی. تهران: توس.
- نادری، محبوبه و علی درزی. (۱۳۹۳). «جایگاه ساختاری "چرا" در زبان فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی، د ۶، ش ۱۱. صص ۸۹ - ۱۰۵.
- واعظی، هنگامه (۱۳۹۱). «تحلیل نقشی ساخت‌های پرسشی در زبان فارسی». ادب پژوهی، ش ۲۰. صص ۸۹ - ۱۰۹.
- وزیگی‌های زادسپرم (۱۳۸۵). پژوهش محمدتقی راشد محصل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

References

- Abolgasemi, M. (2010). *The History of Persian Language*. Tehran: SAMT .[In Persian]
- Adger, D. (2003). *Core Syntax, A Minimalist Approach*, Oxford: Oxford University Press
- *Andarz-e Poryotkeshan* (1992). In Pahlavi Texts, Jamasp Asana, Translated by Said Oryan, Tehran: National Library of Iran. [In Persian]
- *Arda-Viraf-nameh*, (1978), Gignoux, Ph. Translated by Jaleh Amouzegar. Tehran: Moeen&InstitutFrançais de Recherche en Iran .[In Persian]
- Baker, C.L. (1970). “Notes on the description of English questions”. *Foundations of Language* 6. Pp: 197-219
- Boškovic, Z. (1997a). “Fronting wh-phrases in Serbo-Croatian”. *In the Annual Workshop on Formal Approaches to Slavic Linguistics: The Indiana meeting 1996*, ed. Martina Lindseth and Steven Franks, 86-107. Ann Arbor: Michigan Slavic Publications.
- ----- (1997b). “Superiority effects with multiple wh-fronting in Serbo-Croatian”. *Lingua* :102:1-20.
- ----- (1998a). “Wh-movement and wh-phrases in Slavic”. Paper presented *at the Comparative Slavic Morphosyntax Workshop*, Spencer, Indiana.
- ----- (1998b). *On the Interpretation of Multiple Questions*. Ms., University of Connecticut, Storrs.
- ----- (2000a). “On multiple feature-checking: Multiple wh-fronting and multiple head-movement”. *In Working minimalism*, ed. Samuel Epstein and Norbert Hornstein, 159-187. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- ----- (2000b). “Sometimes in [Spec, CP], sometimes in-situ”. *In Step by step: Essays on minimalist syntax in Honor of Howard Lasnik*, ed. Roger Martin, David Michaels, and Juan Uriagereka, 53-88. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Cheng, Lisa L. (1991). *On the Typology of Wh-Questions*. Phd Dissertation,

Massachusetts Institute of Technology.

- ----- (1997). *On the Typology of Wh-questions*. New York: Garland.
- Chomsky, N. (1981). *Lectures on Government and Binding*. Dordrecht: Foris.
- ----- (1982). *Some Concepts and Consequences of the Theory of Government and Binding*. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- ----- (1989). "Some notes on economy of derivation and representation". In *MIT Working Papers in Linguistics 10: Functional heads and clause structure*, ed. ItziarLaka and Anoop Mahajan, 43-74.
- ----- (1993). "A Minimalist Program for Linguistic Theory". The views from Building 20: Essays in Honor of Sylvain Bromberger. K. Hale & S. Keyser (eds.). Cambridge, Mass.: MIT Press. Pp: 1-52.
- ----- (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- ----- (2000). "Minimalist Inquiries: The Framework". *Step by Step: Essays on Minimalist Syntax in Honor of HowardLasnik*. R. Martin, D. Michaels & J. Uriagereka (eds.). Cambridge/London: MIT Press. Pp: 89-155.
- ----- (2001a). "Beyond Explanatory Adequacy". MIT Occasional Papers in Linguistics 20.-Chomsky, N. (2001b). "Derivation by phase". Ken Hale: A Life in Language. M. Kenstowicz (ed.). Cambridge: MIT Press. Pp:1-52.
- ----- & Howard Lasnik, (1977), "Filters and control". *Linguistic Inquiry*8. Pp: 425-504.
- DabirMoghaddam, M. & R. Kalantari, (2016), "An investigation of the information structure of wh-Questions in modern Persian based on text". *Literary Text Research*. 20(67). Pp: 51-83. doi: 10.22054/ltr.2016.3940. [In Persian]
- Darzi, A. & M. Anousheh, (2010), "The movement of the main verb in Persian: A Minimalist Approach". *Language Research*.2 (3). Pp: 21-55. [In Persian]
- *Denkard Book 5* (2007). Translated by Jaleh Amouzgar & Ahmad Tafazzoli, Tehran: Toos. [In Persian]

- *Denkard Book 6*, (2015). Translated by Mahshid Mir- Fakhrai, Tehran: Institute for Humanities & Cultural Studies. [In Persian]
- *Denkard Book 7*, (2010), Translated by Mohammad Taghi Rashed Mohassel, Tehran: Institute for Humanities & Cultural Studies.[In Persian]
- Fukui, N. & M. Speas, (1985), “*Specifiers and Projection*” in Naoki Fukui, Tova R. Rappoport, and Elizabeth Sagey (eds), MIT Working Papers in Linguistics, Vol. 8, MIT.
- Givon, T. (2001). *Syntax: A Functional Typological Introduction*, Vol. II John Benjamins Publishing Company, Amsterdam.
- Goodall, G. (2006). “*Inversion in wh-questions in child Romance and child English*”. In Proceedings of the Chicago Linguistic Society 41.
- Greenberg, Joseph H. (1966). “Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements”. In *Universals of Language*, ed. Joseph H. Greenberg. Pp: 73-113. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Heidari Darani, L. (2015). “Language and variation: A study of English and Persian wh-questions”. *The Journal of Applied Linguistics*. Vol.8, No.16. Pp:37-66, Spring & Summer 2015.
- Kahnemuyipour, A. (2001). *On wh-questions in Persian*. *Canadian Journal of Linguistics*.46(1/2). Pp:41-61.
- Karimi, S. & A. Taleghani, (2007), “*Wh-Movement, Interpretation, and Optionality in Persian*”. Clausal and Phrasal Architecture: Syntactic Derivation and Interpretation. S. Karimi, V. Samiian, & W. Wilkins (eds.). Amsterdam: John Benjamins Publishing. Pp: 167-187.
- ----- (1994). “Word order variations in modern contemporary Persian”. *Persian Studies in North America: A festschrift for Professor M.A. Jazayery*, Iran books. M. Marashi(ed.). Pp:43-73.
- ----- (2001). “*Persian Complex DPs: How Mysterious Are They?*” *Canadian Journal of Linguistics*. 46 (1-2). Pp:63-96.

- ----- (2003). "Focus movement and the nature of uninterpretable features". *Formal Approach to Functional Focus*. A. Carnie, H. Harley & M. Willie (eds.). John Benjamins. Pp: 297-306.
- ----- (2005). *A Minimalist Approach to Scrambling: Evidence from Persian*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Khodafard, I. (2011). "Recognition of Supra-Segmental Units in the Wh-Questions of Pahlavi Sentences". *Literacy Month Book*. 55(169). Pp: 25.[In Persian]
- Kim, S.W. (1990). *Chain Scope and Quantificational Structure*. PhD Dissertation, Brandeis University.
- Labov, William. (1972). *Sociolinguistic Patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Language and Linguistic Theory 6.Pp: 445–501.
- *Menog I xrad*. (2001). Translated by Ahmad Tafazoli. Tehran: Toos. [In Persian]
- Moghani, H. & S. Tafakkori Rezaei, (2018), On the optionality of verb-proposing in Yes-No questions in Persian: A Minimalist Approach. *Language Research*, 9(25).Pp: 191-216. doi: 10.22051/jlr.2016.2443 .[In Persian]
- Naderi, M. & A. Darzi, (2015), "The structural position of chera (why) in Persian". *Researches in Linguistics*. 6(11). Pp: 89-105. [In Persian]
- Rezaei Baghbidi, H. (2009). *The History of Iranian Languages*. Tehran: Centre for Great Islamic Encyclopædia. [In Persian]
- Rizzi, L. (1991). *Residual verb second and the wh-criterion* (Technical Reports in Formal and Computational Linguistics 2). Retrieved from Université de Genève, Faculté des Lettres.
- Rudin, Catherine. (1988). *On multiple questions and multiple wh-fronting*. Natural
- Taleghani, A. (2008). *The Interaction of Modality, Aspect and Negation in Persian*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing.
- *The Narrative of Adur-Farrobay I Farroozadan*, (2005). Translated by Hassan

Rezai Baghbidi, Tehran: Center for the Great *Islamic* Encyclopaedia. [In Persian]

- Vaezi, H. (2012). "A Functional Analysis of WH-Constructions in Persian". *Journal of Adab Pazhuhi*. 6(20).Pp:89-109. [In Persian]
- *Vizidagiha-ye Zadesparam* . (2006). *Rashed Mohasel* . Tehran: Tehran: Institute for Humanities & Cultural Studies. [In Persian]
- Wahba, W. (1984). *Wh-Constructions in Egyptian Arabic*, PhD Dissertation, University of Illinois, Urbana .